

ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۶

محمد جمال خلیلیان اشکذری*

چکیده

ثبات اقتصادی از مباحث کلیدی و از شرایط اساسی پیشرفت هر کشور می‌باشد؛ زیرا بدون تحقق این شرط افق آینده برای سرمایه‌گذاری و تولید روشن نیست و برنامه‌ریزی برای فعالیت اقتصادی سودآور با مشکل روبه‌رو می‌شود. با ثبات اقتصادی شرایط پایداری وجود دارد که افراد جامعه نسبت به تأمین نیازهای ضروری آینده خود و تولیدکننده نسبت به سودآوری فعالیت اقتصادی‌اش، نگران نوسان‌های اقتصادی نیست. از سوی دیگر از آنجا که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است درون‌زا و برون‌نگر که با استفاده از نیروها، منابع، استعدادهای داخلی و توان‌های مردمی مسیر رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه را می‌پیماید؛ بنابراین قادر است ثبات اقتصادی کشور را در بالاترین سطح تأمین نماید؛ اما اگر اقتصاد کشور به جای برون‌نگر بودن، برون‌گرا بود، نوسان‌های اقتصاد جهانی از یک سو و نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان از سوی دیگر، ثبات اقتصاد کشور در سطح کلان را از بین برده و اقتصاد کشور با تکان‌های خارجی دچار آسیب یا بحران می‌گردد. در این مقاله تلاش شده با توجه به ویژگی‌های یک اقتصاد باثبات در سطح کلان و مهم‌ترین راهبردها و الزامات اقتصاد مقاومتی، رابطه این دو با یکدیگر بررسی گردیده و اثبات گردد که در شرایط موجود کشور تنها با تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به ثبات اقتصادی دست یافت.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، ثبات اقتصادی، نوسان‌های اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: Z19، C62، Z12.

مقدمه

امروزه نظام جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف با توطئه‌ها و فشارهای گوناگون استکبار جهانی روبه‌روست و به‌ویژه در حوزه اقتصاد نیز با تحریم‌های متعددی مواجه است که تاکنون سابقه نداشته است.

شاید مهم‌ترین چالش اقتصادی کنونی که به‌راحتی هم قابل مشاهده است پیش‌بینی‌ناپذیر بودن وضعیت اقتصادی روزها و ماه‌های آینده باشد. چنین حالتی موجب می‌شود که فعالان اقتصادی خرد و کلان دچار سرگشتگی شوند و چرخ‌های اقتصاد به‌کندی حرکت کند؛ این سردرگمی، اقتصاد کشور را در حالت سکون و انتظار قرار می‌دهد؛ اما اگر اقتصاد کشور دارای برنامه‌ای دقیق و شفاف بوده و پیش‌بینی‌پذیر باشد، برای سرمایه‌گذار و فعال اقتصادی زمینه مناسبی فراهم است که می‌تواند با خیال آسوده سرمایه‌گذاری و تولید کند؛ در نتیجه هم به سود خود فکر کند و هم منفعت و آسایش مصرف‌کننده را تأمین نماید؛ از این رو اندیشمندان و مسئولان نظام اسلامی، مکلف به تلاش مضاعف علمی همراه با نوآوری برای پشت سر گذاشتن این وضعیت ویژه هستند و برای برون‌رفت از این معضل در صحنه تجربه و عمل، راهی جز برقراری ثبات اقتصادی با تحقق اقتصاد مقاومتی وجود ندارد؛ زیرا ثبات اقتصادی به عنوان شرطی مهم در ترسیم آینده‌ای روشن و امیدبخش بر میزان سرمایه‌گذاری و تولید یک کشور تأثیرگذار است؛ زمانی که تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی خرد و کلان نتوانند برای سودهای ثابت و حلال خود برنامه‌ریزی کنند و نسبت به آن اطمینان داشته باشند به سمت بازارهایی می‌روند که کم‌ریسک‌تر است و برگشت سرمایه ساده‌تری دارد، در این شرایط دلالتی و سفته‌بازی رشد چشمگیری خواهد داشت؛ بنابراین دولت باید شرایطی فراهم سازد که در مسیر

رشد و توسعه کشور، نوسان در مقررات و شرایط اقتصادی به حداقل برسد؛ چراکه تولیدکنندگان با توجه به وضعیت موجود برنامه‌ریزی می‌کنند و تنها زمانی انگیزه برای این کار را دارند که نسبت به آینده سرمایه‌گذاری و سودآوردن آن مطمئن باشند و احساس کنند، قوانین روشن و پایداری برای حراست از سرمایه و موفقیت در فعالیت اقتصادی وجود دارد.

در این راستا دستیابی به یک نظام قانونی و ارزشی پایدار برای برقراری ثبات اقتصادی، بایسته است؛ زیرا با وجود ثبات، رفتارهای اقتصادی قابل پیش‌بینی بوده و در نتیجه هزینه‌های دستیابی به عوامل تولید کاهش یافته و سرمایه‌گذاری به‌صرفه و سودآور خواهد بود. گرچه برون‌نگری برای استفاده از فناوری و تجارب دیگر کشورها و برقراری روابط تجاری و استفاده از بازار آنها برای فروش محصولات تولیدشده امری مفید و لازم است و وجود منافع مشترک میان کشورها موجب کاهش ریسک و افزایش ثبات اقتصادی می‌شود، اما محور اصلی این پژوهش و نیز افزایش ثبات اقتصادی آن است که اتکای بر منابع و نیروهای داخلی که از ویژگی‌های بارز اقتصاد مقاومتی است، اقتصاد کشور را درون‌زا گردانیده و آن را از نوسان‌های خارجی و تکان‌های بیرونی مصون و به آن ثبات و امنیت می‌بخشد. در اهمیت این موضوع همین بس که در بند نهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، این‌چنین بر آن پافشاری شده است: «اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام‌های کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی».

پیشینه پژوهش

موضوع اقتصاد مقاومتی نخستین بار در شهریورماه ۱۳۸۹ توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح گردید؛ بنابراین پژوهش در این

موضوع بحثی نسبتاً جدید می‌باشد که تنها طی چند سال اخیر درباره آن کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است و موضوع ثبات اقتصادی در کنار امنیت اقتصادی، در اقتصاد متعارف فراوان بررسی شده است ولی پیشینه عام این تحقیق محسوب می‌شود؛ برای نمونه کتاب **ثبات پولی و رشد اقتصادی** (Paul Zak, 2001) تنها یکی از ابعاد بحث را بررسی کرده است؛ درحالی‌که ثبات اقتصادی ابعادی فراتر از ثبات پولی دارد. مباحث کتاب **راهبرد توسعه اقتصادی همراه با ثبات سیاسی** (محمدی‌لرد و اکبری، ۱۳۹۲) گرچه مرتبط با بحث این پژوهش است، ولی صرفاً علل اقتصادی بی‌ثباتی سیاسی را بررسی نموده است.

رحمانی و صادق‌زاده (۱۳۸۹) حوزه خاصی از ثبات اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و در مقاله «تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی» اظهار کرده‌اند که نقش سیاست‌گذاری پولی در کاهش یا کنترل تورم در بسیاری از تحقیقات به تأیید رسیده است و از این راه می‌توان نقش این موضوع را در ثبات اقتصادی و متغیرهای بخش حقیقی نیز بررسی نمود.

توکلی (۱۳۹۶) در کتاب **خاکریز اقتصادی (خوانشی بر اقتصاد مقاومتی)** بحث‌هایی چون چیستی و مشخصه‌های اقتصاد مقاومتی، آسیب‌پذیری اقتصادی و راهبردهای افزایش مقاومت اقتصادی را مطرح کرده است، اما بحثی درباره ثبات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در آن مشاهده نگردید.

مقاله پیش رو درباره رابطه ثبات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی - به عنوان تنها راه پیشرفت همه‌جانبه کشور در شرایط موجود - بحث می‌کند و هدف اصلی پژوهش از بررسی رابطه این دو موضوع تبیین این نکته است که اقتصاد مقاومتی تضمین‌کننده ثبات اقتصادی جامعه می‌باشد. شایان گفتن است که موضوع مقاله بحثی نو است که پیشینه تحقیقی در خصوص آن مشاهده نگردید.

مفاهیم اساسی پژوهش

الف) اقتصاد مقاومتی

استعمال صفت مقاومتی برای اقتصاد، دلالت بر حالتی از اقتصاد می‌کند که از درون دارای قوام و استحکام باشد و در رویارویی با عوامل تهدیدزای خارجی نیز بتواند قوام و پایداری خود را حفظ نماید. گفتنی است که واژه اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصادی جهان به کار نرفته است و مباحثی مانند انعطاف‌پذیری اقتصادی (Resilience Economic)، شکنندگی اقتصادی (Fragility)، تاب‌آوری اقتصادی (Resilience)، ریاضت اقتصادی و بازدارندگی اقتصادی (Deterrence Economic)^۱ هرچند از جهاتی به اقتصاد مقاومتی نزدیک هستند، اما از جهاتی متمایز از آن می‌باشند. در ادبیات اقتصادی کشورمان و در میان عموم مردم معمولاً اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی مقایسه یا مشتبه می‌گردد؛ بنابراین نظر به ظرفیت محدود مقاله، در اینجا فقط به تمایز دو واژه مذکور اشاره می‌شود.^۲

رویکرد اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ریاضتی، در این جهت مشترک‌اند که هر دو همراه با تحمل سختی‌ها و مستلزم مقاومت در مقابل توطئه‌ها و مشکلات هستند؛ اما وجه تمایز آن دو این است که اقتصاد مقاومتی برخلاف اقتصاد ریاضتی دارای چشم‌اندازی روشن و امیدبخش است؛ زیرا در پی اقتصاد ایدئالی است که هم اسلامی باشد و هم کشور را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اما در اقتصاد ریاضتی تنگناهای اقتصادی چون کسری بودجه، مردم و دولت را مجبور به تحمل مشکلات ساخته، بدون اینکه چشم‌انداز روشنی در میان باشد. مطرح شدن ایده اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله

^۱ برای مطالعه بیشتر ر.ک به: (Edward Hill & et al, 2010).

^۲ برای مطالعه بیشتر ر.ک به: (پیغامی، ۱۳۹۴).

خامنه‌ای، واکنش مناسبی در مقابل جنگ اقتصادی استکبار جهانی علیه نظام اسلامی ما، تحریم‌های ظالمانه آنان و الگوی مناسبی برای مصونیت در مقابل بحران‌های اقتصادی دنیا و حل مشکلات داخلی اقتصاد کشور بود. ایشان در دیداری با دانشجویان در این باره فرمودند:

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد ... (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۶/۰۵/۱۳۹۱).

ایشان در سخنرانی‌های متعدد، ضرورت، اهداف و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را تبیین کردند. با توجه به آن مباحث، این تعریف را نیز می‌توان برای اقتصاد مقاومتی استخراج کرد:

«اقتصاد مقاومتی الگوی پیشرفت اقتصادی کشور است که درون‌زا و برون‌نگر بوده و قادر است در کوتاه‌مدت مشکلات اقتصادی را کاهش داده و در بلندمدت در برابر آسیب‌های درونی و بیرونی به اقتصاد، پایداری بخشد و موجب رشد و شکوفایی اقتصادی کشور گردیده و جامعه اسلامی را به عزت، اقتدار و استقلال کامل همراه با عدالت برساند».

رهبر معظم انقلاب به عنوان مبدع نظریه اقتصاد مقاومتی به صورتی کوتاه و گویا درباره اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:

مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ماست؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ماست (بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲).

اهمیت اقتصاد مقاومتی از آنجا ناشی می‌شود که نقشه دشمنان انقلاب

اسلامی برای متوقف کردن روند پیشرفت انقلاب در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری بر عرصه اقتصاد تمرکز یافته است.

ب) ثبات اقتصادی

از ثبات (Stability) در لغت به پایداری، پابرجایی و پایایی یاد می‌شود و در اصطلاح، ثبات اقتصادی و تثبیت اقتصادی (Stabilization Economic) عبارت است از کاربرد شیوه‌های پولی و مالی و دیگر تدابیر برای اجتناب از انقباض یا تورم آشکار در اقتصادهای صنعتی پیشرفته دنیا (فرهنگ، ج ۲، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸۰-۲۰۸۱). ثبات اقتصادی در دو سطح فرد و جامعه قابل طرح است؛ برای تحقق ثبات اقتصادی در سطح اول باید وضع معیشتی هر فرد به گونه‌ای باشد که در حال حاضر مشکلی از جهت فراهم بودن مایحتاج زندگی نداشته و نگران تأمین آنها در آینده نیز نباشد و اما در سطح جامعه، ثبات اقتصادی به وضعی گفته می‌شود که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از نوسانات شدید اقتصادی، برای رشد سرمایه‌گذاری و تولید، در افق بلندمدت برنامه‌ریزی کنند و از آینده فعالیت‌های اقتصادی خود ترسی نداشته باشند؛ به عبارت دیگر ثبات اقتصادی وضعیتی است که در آن نهادهای کارآمد مالی، قضایی، اداری و اجتماعی به همراه قوانین و مقررات شفاف و سیاست‌گذاری مناسب دولت، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم کنند (دهقان و عزتی، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

ویژگی‌های مهم ثبات اقتصادی در سطح کلان

با توجه به شرایط موجود، به نظر می‌رسد مهم‌ترین شرایط برقراری ثبات در اقتصاد کشور عبارت است از:

۱. ثبات در قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی: یکی از اصولی

که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - و دیگر سیاست‌های کلی نظام با موضوع اقتصاد - مورد تأکید قرار گرفته، ثبات قوانین، مقررات و رویه‌هاست. قوانین هنگامی می‌توانند وظیفه مهم خود به منظور راهنمایی شهروندان برای برنامه‌ریزی درباره فعالیت‌های اقتصادی را انجام دهند که باثبات و پایدار باشند. اگر قوانین دائماً تغییر یابند و اصلاح شوند، پیش‌بینی‌پذیری فضای کسب‌وکار مختل می‌شود و امکان فعالیت اقتصادی مطمئن، فراهم نخواهد شد.

رایج‌ترین و چشمگیرترین رویه قانون‌گذاری که سبب مخدوش شدن ثبات قوانین - نظام حقوقی - شمرده می‌شود، اقدام به قانون‌گذاری بیش‌ازحد و نامتناسب در قالب تصویب مکرر قوانین جدید، اصلاح پی‌درپی قوانین موجود و تصویب الحاقیه‌های متعدد به قوانین است. مهم‌ترین آسیب این رویه که به «تورم قوانین» (تورم قانون‌گذاری) معروف شده خدشه‌دارکردن امنیت حقوقی (ثبات حقوقی) است. در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، اصلاح مکرر قوانین و پراکندگی قوانین، به شدت بر ثبات قوانین تأثیر منفی نهاده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/03/19/394928>).

۲. ثبات در باورها و ارزش‌های مورد قبول جامعه: یکی از عوامل مهم برقراری ثبات اقتصادی در یک جامعه حفظ هویت فرهنگی آن است؛ زیرا هویت فرهنگی افراد جامعه که مشتمل بر باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و شیوه‌های رفتاری آنهاست موجب عزت، شخصیت و ثبات و پایداری در رویه‌ها و فعالیت‌های معقول و منطقی آنها در زمینه‌های مختلف به‌ویژه فعالیت‌های اقتصادی خواهد گردید؛ اما تزلزل در هویت فرهنگی، موجب تقلید از الگوهای غلط بیگانگان و در پیش گرفتن فعالیت‌های نسنجیده و غیر منطقی در زمینه تولید و مصرف خواهد شد. رعایت الگوی صحیح مصرف، توجه به تولیدات داخلی، همت مضاعف در فعالیت‌های علمی و اقتصادی، پایبندی به اجرای

عدالت و مبارزه با مفاسد اقتصادی از مهم‌ترین راهکارهای اقتصاد مقاومتی است که نقش زیادی در ثبات اقتصادی کشور نیز دارد. روشن است که این امور در یک جامعه مسلمان با وجود ثبات در باورها و ارزش‌های اسلامی قابل تحقق است.

شایان گفتن است وجه تمایز ثبات در اقتصاد متعارف با ثبات در اقتصاد مقاومتی در ویژگی اخیر نهفته است؛ چراکه اقتصاد متعارف با حاکمیت دیدگاه سکولار بر آن کاری به باورها و ارزش‌های مورد قبول جامعه - که در یک جامعه اسلامی مهم و تأثیرگذار است - ندارد.

۳. رشد تولید ناخالص داخلی در سطحی معقول و متناسب با روند رشد و توسعه کشور: از منظر ثبات اقتصاد کلان تولید ناخالص داخلی باید سالانه با یک سرعت مناسب و رضایت‌بخش، رشد داشته باشد که به باور اقتصاددان‌ها در بسیاری از موارد رشد پنج تا شش درصدی برای یک دوره سالانه، مناسب تشخیص داده شده است. این میزان رشد به منظور پاسخ به رشد جمعیت و نیاز مصرف‌کنندگان لازم می‌باشد.

۴. ثبات قیمت‌ها: نوسان در قیمت کالاها و خدمات، اندک و نرخ تورم در سطحی پایین و کنترل شده باشد.

۵. ثبات در اشتغال: سطح اشتغال تأمین‌کننده نیازهای درآمدی افراد جامعه بوده و نرخ بیکاری تحت کنترل دولت باشد.

۶. ثبات بازار ارز: بازار ارز با نوسانات شدید مواجه نگردیده و با برقراری ثبات نسبی در آن افراد جامعه نگران کاهش قدرت خرید خود نباشند.

۷. ترازبودن بودجه دولت: تراز در بودجه دولت برقرار بوده و یا با کسری اندکی مواجه باشد.

توضیح بیشتر در مورد چند مورد اخیر آنکه، ثبات اقتصاد کلان بر مبنای نبود نوسانات شدید در اقتصاد کلان تعریف می‌گردد؛ به عبارت دیگر ثبات اقتصادی

شرایطی است که در آن نرخ رشد اقتصادی ثابت و پایدار بوده، نرخ تورم پایین و تقریباً ثابت باشد (معمولاً در محدوده سه تا پنج درصد)، نرخ بیکاری نزدیک نرخ طبیعی خود قرار داشته باشد، کسری بودجه پایین و نرخ ارز رسمی تقریباً برابر نرخ ارز بازاری باشد؛ هر یک از این موارد شاخصی برای ثبات اقتصادی به حساب می‌آیند؛ زیرا هر یک از این مؤلفه‌ها در ایجاد بستر باثبات اقتصادی نقشی اثرگذار دارند (رحمانی و صادق‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۹).

گفتن این نکته درباره نوسان در قیمت کالاها و خدمات، لازم به نظر می‌رسد که گرچه انتظارات تورمی در یک اقتصاد باثبات می‌تواند به عنوان یک مشوق برای جذب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و داخلی عمل کند، اما تورم سطح بالا و مستمر، یکی از عوامل بی‌ثباتی در اقتصاد و موجب نگرانی صاحبان درآمدهای ثابت و گروه‌های کم‌درآمد جامعه می‌شود؛ زیرا در چنین وضعیتی قدرت خرید آنها دائماً در حال کاهش بوده و در تأمین معیشت و رفاه نسبی با مشکل مواجه می‌شوند.

لازم به گفتن است که برای مورد اول و دوم در اینجا شاخصی بیان نمی‌گردد چون ابداع شاخص در این دو مقوله نیاز به تحقیق و مطالعه بیشتر داشته و فرصت دیگری را می‌طلبد. افزون بر اینکه اضافه‌شدن مورد دوم از ابداعات این مقاله بوده و در جای دیگری مشاهده نگردید، اما در مجموع ثبات در اقتصاد کلان را برای ارزیابی موارد اخیر، می‌توان با تغییرات شاخص‌های کلیدی زیر اندازه‌گیری کرد:

۱. تورم قیمت مصرف‌کننده (درصد تغییر سالانه سطح عمومی قیمت‌ها)؛
۲. رشد تولید ناخالص داخلی واقعی؛
۳. تغییر در بیکاری اندازه‌گیری شده و سطح اشتغال؛
۴. تغییر در امور مالی دولت (برای نمونه میزان کسری مالی یا مازاد)؛
۵. ثبات نرخ ارز رسمی و برابری نسبی آن با نرخ ارز بازاری.

در کشورهای چوچون ایران که عمده درآمد ارزی آنها حاصل از صادرات نفت می‌باشد تا زمانی که این درآمد متکی بر استفاده بهینه از منابع و امکانات داخلی و رشد سرمایه‌گذاری و تولید داخلی نباشد، در نوسان و آسیب‌پذیر بوده و ثبات اقتصادی در بخش‌های مختلف و به دنبال آن نرخ رشد اقتصادی و نرخ ارز را دچار بی‌ثباتی ساخته و در کل می‌توان گفت همه شاخص‌های اخیر را دستخوش نوسان می‌سازد و با از بین رفتن ثبات اقتصادی، مقاومت اقتصاد در مقابل تکانه‌های داخلی و خارجی کاهش می‌یابد. نمونه بارز آن نوسانات نرخ ارز در سال‌های اخیر بوده است؛ به طوری که نرخ رسمی آن در برابر هر دلار آمریکا در سال‌های ۷۳-۷۴ از سیصد تومان به بیش از سه‌هزار تومان در سال جاری رسیده است و این به معنای کاهش بیش از ده برابری ارزش پول ملی است که پیامدهای منفی فراوانی به دنبال داشته است. نمونه عینی دیگر برای این مطلب تغییرات زیاد نرخ رشد اقتصادی در چند سال اخیر می‌باشد که گاهی منفی و گاهی مثبت بوده است.

راهبردها و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ثبات اقتصادی

این بحث در دو بخش راهبردها و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی با برشمردن چهار مورد برای هر یک از آنها تبیین می‌گردد. البته ادعایی بر انحصار راهبردها و الزامات به موارد مذکور نیست و انتخاب این موارد به لحاظ اهمیت بیشتر آنها در شرایط کنونی کشور است. شایان گفتن است که راهبردهای اقتصاد مقاومتی مسیر تحقق این اقتصاد در جامعه اسلامی را نشان می‌دهند ولی الزامات بیان‌کننده شرایط لازم‌الرعا یه‌ای است که برای پیمودن موفق آن مسیر باید مورد توجه باشد؛ هرچند یک الزام و شرط ممکن است ما را به راهبرد خاصی هدایت کند؛ بنابراین این دو با یکدیگر مرتبط هستند و بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی دارند.

الف) مهم‌ترین راهبردها

یکی از راه‌های بررسی رابطه میان اقتصاد مقاومتی و ثبات اقتصادی و اثبات این مطلب که راه رسیدن به ثبات اقتصادی تحقق اقتصاد مقاومتی است، توجه به راهبردهای این اقتصاد می‌باشد. مهم‌ترین این راهبردها که هر یک به نوعی تأمین‌کننده ثبات اقتصادی جامعه است عبارت است از:

۱. تقویت ایمان و فرهنگ اسلامی

با تحقق اقتصاد مقاومتی فرهنگ اسلامی که دربردارنده عناصری چون عزت، استقلال، نظم و انضباط، امانتداری، وفای به عهد و پیمان، صداقت، وجدان کاری و اتقان در عمل است، تقویت می‌گردد؛ زیرا پیشرفت مادی و معنوی کشور و مقابله با مشکلات و توطئه‌های دشمن در سایه اقتصاد مقاومتی، جز با حفظ و ترویج این عناصر ممکن نیست. رهبر معظم انقلاب در این‌باره می‌فرماید:

طبعاً کشوری مثل کشور ما - کشور بزرگی است؛ کشور ریشه‌داری است؛ کشور دارای موقعیت ممتازی است؛ امروز در دنیا کشور بسیار آبرومندی است؛ دارای فرهنگ مرفعی است؛ دارای سابقه درخشان و مرفعی است؛ دارای هدف‌های بلندی است؛ حرف نویی مطرح کرده؛ کشوری با این خصوصیات - نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیتی باشد که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته ... (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

فرهنگ گستره وسیعی دارد که همه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادات، سنن، آیین‌ها، الگوها، زبان، ادبیات و هنر یک ملت را شامل می‌شود؛ اما بدون تردید اساسی‌ترین عنصر در میان آنها عنصر باورهاست؛ ازاین‌رو باور به خدای متعال ﷻ و ایمان به تحقق وعده‌های الهی و اطاعت از فرمان‌های او مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی در یک جامعه اسلامی است. ایمان و انگیزه الهی از طرفی

هدف و جهت‌گیری مقاومت را نشان می‌دهد و از طرفی خطوط اصلی نقشه راه را روشن می‌کند و از طرف دیگر نیروی محرک و مقاومت‌آفرین جامعه برای حرکت به سمت قله‌های پیشرفت می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» (احقاف: ۱۳ و فصلت: ۳۰). این آیه نشان می‌دهد که ایمان به خدای متعال ﷻ و تحقق وعده‌های او، نخستین سنگ زیربنای اقتصاد مقاومتی است و تا زمانی که ملتی رسیدن به اهداف خود را در گرو ایجاد رابطه با بیگانگان و قدرت‌های غیر الهی ببیند هیچ مقاومتی شکل نخواهد گرفت.

قرآن کریم تأکید می‌کند که هرگاه ایمان در جامعه استقرار یابد و ارکانش استوار گردد، برکت‌ها بر انسان فرو می‌بارد و زمین سرچشمه نعمت می‌شود تا آن‌گاه که وجود انسان از خیر سرشار می‌گردد و جامعه در رفاه و آسایش اقتصادی افزون بر تصور به سر می‌برد؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶).

با افزایش سطح ایمان و تقوای جامعه هم‌انگیزه فعالیت در زمینه‌های مختلف افزایش یافته و ارزش‌های اخلاقی پایدار و نهادینه گردیده و هم سطح تخلیفات و ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی کاهش می‌یابد؛ در چنین وضعیتی آرامش و اطمینان خاطر همراه با چشم‌اندازی روشن از امید به آینده بر جامعه حکم‌فرما می‌گردد و با پدید آمدن وضعیت مناسب مذکور ثبات و امنیت اقتصادی جامعه نیز ارتقا می‌یابد.

۲. استفاده از همه ظرفیت‌های کشور و حمایت از تولید داخلی

اکنون که نظام اسلامی و مردم مسلمان ما در راستای رسیدن به اهداف و آرمان‌های والای خود خواهان ایستادگی و مقاومت در مقابل فشارهای تحمیلی کشورهای سلطه‌گر است، باید با خودباوری و استفاده از امکانات موجود، سطح کمی و کیفی تولید فراورده‌های کشاورزی و صنعتی را ارتقا دهد و دولت باید از واردکردن کالاهای مشابه خارجی خودداری کند تا سطح اشتغال را در کشور

ارتقا داده و از خروج ارز کشورمان به خارج جلوگیری نماید. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول، کم‌رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج و ارتقای فناوری را به دنبال دارد.

بنابراین اساسی‌ترین رکن تحقق اقتصاد مقاومتی اتکای بر تولید داخلی و تقویت آن است؛ چراکه رسیدن به رشد و رونق اقتصادی و مقابله با دو مشکل اساسی اقتصاد ایران و بسیاری از کشورها یعنی بیکاری و تورم، تنها در سایه اهتمام به کمیت و کیفیت تولید داخلی امکان‌پذیر است. بدیهی است رفع دو مشکل مزبور نقش زیادی در تأمین ثبات اقتصادی در هر دو سطح خرد و کلان آن دارد. افزایش کیفیت محصولات داخلی نخستین گام برای ایجاد و گسترش بازار برای تولیدکنندگان کشور است و یگانه راه رونق کسب‌وکار و تولید، داشتن بازارهای باثبات است؛ نه فقط تزریق نقدینگی در قالب تسهیلات و یا کمک‌های نقدی؛ چراکه این کمک‌ها در حد مُسکن می‌توانند ظهور مشکلات را به تعویق بیندازند ولی درمان نمی‌کنند (ایروانی، ۱۳۹۲)؛ به‌رحال دولت به‌عنوان نهاد برنامه‌ریز و ناظر می‌تواند برای تقویت تولید داخلی به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی و داشتن اقتصادی درون‌زا و برون‌نگر نقش مهمی داشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

تولید داخلی اگر بخواهد رونق پیدا بکند، یقیناً باید هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود، هم برای محصولات، بازار به وجود بیاید، هم واردات محصولات مشابه به یک نحوی کنترل بشود ... گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گراست؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم؛ اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ماست، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست ... (بیانات در جمع گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰).

در این راستا دولت باید با مدیریت منابع ارزی، حمایت منطقی و حساب‌شده‌ای از واحدهای تولیدی داشته و نیازهای مالی و ارزی آنها را تأمین کند.

خلاصه آنکه تحقق عملی اقتصاد مقاومتی با راهبرد اتکای بر تولید داخلی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور، هم موجب رشد تولید، افزایش اشتغال و هم با افزایش عرضه کالا و خدمات موجب کاهش و کنترل تورم گردیده و از طرف دیگر رشد تولید ناخالص داخلی و به دنبال آن کاهش واردات، نیاز به ارز و خروج آن از کشور را کاهش داده و موجب افزایش درآمدهای مردم و دولت و کاهش کسری بودجه خواهد گردید. روشن است امور مذکور همه در جهت ارتقای ثبات اقتصاد در سطح کلان می‌باشد؛ اما بدون حمایت سنجیده و معقول دولت از بخش‌های تولیدی محقق نمی‌شود؛ البته اقدام و حمایت دولت، تنها بر اساس برنامه‌های مشخص و از پیش تعیین شده و با پرهیز از روش‌های آزمون و خطا کارساز و مفید خواهد بود.

۳. مردمی کردن اقتصاد

اصلی‌ترین سرمایه نظام اسلامی مردم هستند و تحقق موفق هر برنامه اقتصادی تنها با همراهی مردم امکان‌پذیر است؛ زیرا با هماهنگی و همکاری آنها کارها سریع‌تر، آسان‌تر و با هزینه کمتری انجام می‌شود؛ از سوی دیگر همراهی مردم نیز تنها با جلب اعتماد آنان ممکن است. نظام جمهوری اسلامی در طول سال‌های گذشته در عرصه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی توانسته است با استفاده از این ظرفیت، بسیاری از مسائل و مشکلات کشور را حل کند؛ اما در عرصه اقتصاد هنوز آن‌گونه که باید، از ظرفیت مردم برای تولید و رشد کشور استفاده نشده است.

دولت در کشور ما میلیون‌ها هکتار زمین، باغ، ملک، مستغلات، مرتع و جنگل در تملک خود دارد و کلیه منابع زیرزمینی مانند نفت، گاز، سنگ آهن،

مس و طلا متعلق به دولت است. دولت سالانه دریافت‌کننده درآمدهای نفتی میلیاردی است و هواپیماها، کشتی‌های باری، نفتکش‌ها، قطار و هزاران کارخانه، سازمان، بنیاد، بنگاه، شرکت و مؤسسه را در مالکیت و تصدی خود دارد. مهم‌تر از همه، دولت دستگاه چاپ اسکناس و یک شبکه بانکی که پس‌اندازهای مردم را جمع‌آوری می‌کند، در اختیار و کنترل خود دارد؛ به همین جهت، دولت در ایران منبع اصلی هرگونه سرمایه‌گذاری است؛ از سوی دیگر، دولت در ایران بزرگ‌ترین متصدی و کارفرماست؛ نان، آب، برق، مدرسه و بهداشت مردم را تأمین می‌کند. همه این ویژگی‌ها بر دولتی‌بودن شدید و گسترده اقتصاد ایران با تمامی نقص‌هایی که بر مدیریت دولتی وارد است، دلالت دارد. در چنین شرایطی کمال مطلوب آن است که دولت بر جایگاه واقعی خود بنشیند؛ یعنی برقراری و حفظ ثبات و امنیت اقتصادی را بر عهده گیرد و کارگزاری اقتصادی را به ملت واگذار نماید. به جرئت می‌توان گفت که کوچک‌کردن دولت بدون کسر ابعاد نظارتی آن، اصلی‌ترین راه دستیابی به ثبات و امنیت اقتصادی در کشور ماست.

بنابراین در صورتی که بتوان اقتصاد کشور را بر پایه مشارکت حداکثری مردم شکل داد، از جهت مقابله با تهدیدها و اثرپذیری از بیگانگان مقاوم خواهد شد؛ زیرا با همکاری و مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی، انگیزه آنها برای تلاش افزایش و با استفاده بهینه از منابع تولید، هزینه‌ها کاهش یافته و با رعایت بهتر قوانین و مقررات، تخلفات اقتصادی کمتر خواهد شد و روشن است که این امور با راهبرد مردمی‌کردن اقتصاد در راستای اقتصاد مقاومتی، ثبات اقتصادی کشور را در سطح کلان ارتقا می‌بخشد.

۴. برقراری عدالت در توزیع امکانات و منابع

قرآن کریم برقراری عدالت اجتماعی را در زمره اهداف رسولان الهی قرار داده است: «قَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). کلمه «لیقوم» که از ماده قوم است، نشان می‌دهد عدالت مایه قوام و برپایی جامعه است و این معنا در روایات متعددی تصریح شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

امام علی علیه السلام: «الْعَدْلُ أَقْوَى أَسَاسٍ» (آمدی، ۱۴۰۷ق، ح ۸۶۳): عدالت استوارترین پایه است. آن حضرت در سخنی دیگر می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَ الْعَدْلِ قِوَامًا لِلْأَنْبِيَاءِ وَ تَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْأَثَامِ وَ تَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ» (همان، ح ۴۷۸۹): خداوند سبحان عدل را مایه استواری مردم، پیرایش آنان از ستم‌ها و گناهان و آسان‌سازی اسلام قرار داد.

یکی از موارد بسیار مهم جلوه‌های عدل، عدالت در روابط میان مردم و حکومت است که امام علی علیه السلام آن را مایه رفاه و آسایش جامعه اسلامی و ناامیدی دشمنان اسلام شمرده و در این باره می‌فرماید:

... فَإِذَا أُدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقُّهُ وَ أُذِيَ إِلَيْهَا الْوَالِي كَذَلِكَ، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، فَقَامَتِ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَّتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنُنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طَابَ بِهِ الْعَيْشُ وَ طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَبَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ (امام علی بن ابی طالب، [بی‌تا]، خ ۲۱۶ / کلینی، ۱۳۹۲ق، ج ۸، صص ۳۵۳ و ۵۵۰): ... و آن‌گاه که مردم حق حاکم را ادا کنند و حاکم نیز حق مردم را ادا نماید، حق در میانشان عزت یابد و آیین‌های دین استوار گردد و نشانه‌های عدل برقرار شود و سنت‌ها [پیامبر صلی الله علیه و آله] در راه خود افتد و بدین‌سان، روزگار سامان گیرد و زندگی نیکو شود و امید به پایداری حکومت افزون گردد و دشمنان از خواست‌های خویش ناامید شوند.

روشن است که با برقراری عدالت اقتصادی در جامعه، فاصله طبقاتی در جامعه کاهش یافته و فشار فقر و تنگدستی موجب تخلف اقتصادی و ناهنجاری‌های اجتماعی نمی‌شود و همکاری و همدلی در میان افراد جامعه افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی ثبات و امنیت اقتصادی در دو سطح خرد و کلان ارتقا می‌یابد. برقراری عدالت نیز زمینه مناسبی برای پایداری در عقاید و

ارزش‌ها - به عنوان یکی از ویژگی‌ها و الزامات ثبات اقتصادی - پدید می‌آورد.

ب) مهم‌ترین الزامات

یکی دیگر از راه‌های بررسی رابطه میان اقتصاد مقاومتی و ثبات اقتصادی و اثبات این مطلب که راه رسیدن به ثبات اقتصادی تحقق اقتصاد مقاومتی است، توجه به الزامات این اقتصاد می‌باشد. مهم‌ترین این الزامات که هر یک به نوعی تأمین‌کننده ثبات اقتصادی جامعه است عبارت است از:

۱. جدیت در کار، تولید و تلاش جهادی

اگر جامعه‌ای بخواهد مستقل و قدرتمند به حیات اقتصادی و سیاسی خود ادامه دهد، ناچار به کار و تلاش جدی و مبارزه با بیکاری و تن‌پروری است؛ به همین جهت، اسلام برای رسیدن به این هدف مهم بر اشتغال و فعالیت افراد در جامعه تأکید دارد. در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که هنگامی که ایشان مردی را می‌دید و توجه آن حضرت به او جلب می‌شد، می‌پرسید آیا حرفه و شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند نه، می‌فرمود از چشمم افتاد و در پاسخ از چرایی موضوع جواب می‌داد برای اینکه یک فرد باایمان اگر شغلی نداشته باشد با دین‌فروشی زندگی خود را اداره می‌کند! (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۳، ص ۹). امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید: «انَّ الله عزوجل يبغض العبد النوام الفارغ» (حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۴۰۱، ق، ص ۳۶): همانا خداوند متعال از بنده پرخواب بیکار متنفر است.

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود که همیشه به پیروان خود توصیه می‌کرد که از دسترنج خود بخورند و فواید زیادی را برای این کار بیان می‌کردند از جمله اینکه هر فردی از دسترنج خودش بخورد خداوند متعال با نظر رحمت به او نگاه می‌کند و او را عذاب نمی‌کند: «كلوا من كَدَّ أَيْدِيكُمْ، مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ اللهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۳، باب ۱).

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید فراوان داشتند بر اینکه کارهای خود را

خودتان انجام دهید و هرگز از دیگران هرچند به اندازه یک چوب مسواک کمک نخواهید: «لَا يَسْتَعْنَأْ أَحَدُكُمْ بِالنَّاسِ وَلَوْ فِي قَضْمِهِ مِنْ سِوَاكِ» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۴۳).

به تحقیق می توان این دستورات و توصیه های رسول خدا ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم السلام را که در حوزه فردی بیان کرده اند در حوزه اجتماع عمومیت داد و رمز موفقیت جامعه اسلامی را در این نکته دانست که جامعه ای می تواند به موفقیت دست پیدا کند و در برابر ابرقدرت های دنیا مبارزه کند که همه نیازهای خود را خودش تهیه کند و حتی به اندازه یک چوب مسواک محتاج بیگانگان نباشد.

بنابراین، نخستین وظیفه مسئولان در جامعه اسلامی برای مقابله با تحریم ها و برقراری ثبات و امنیت اقتصادی اهمیت دادن به موضوع اشتغال و تولید است؛ زیرا جامعه ای می تواند به عزت و سربلندی برسد که اولاً استعدادهای درونی خود را کاملاً بشناسد و ثانیاً با اعتماد به نفس و توکل به خدای متعال جل جلاله از تمام ظرفیت های خود در راستای عملی شدن اقتصاد مقاومتی بهره ببرد و با انجام این امور است که طبق وعده خداوند آثار و برکات تلاش و مقاومت ظاهر خواهد شد.

بدیهی است در چنین شرایطی ثبات و امنیت اقتصادی در سطح فردی و جمعی ارتقا خواهد یافت؛ زیرا افراد، بی نیاز از دیگران بوده و جامعه اسلامی نیز نیازمند بیگانگان نخواهد بود تا به هنگام تحریم و فشار، مبتلا به نوسانات و بحران های اقتصادی گشته و مجبور به سازش و زیر پا گذاشتن ارزش ها، عزت و استقلال خود گردد.

۲. ثبات در قوانین، مقررات و تصمیم گیری ها

وجود قانون یکی از ضرورت های برقراری ثبات اقتصادی و یکی از پایه ها و ستون های اصلی آن است؛ زیرا در روابط اقتصادی تا قانون مشخص و روشنی

وجود نداشته باشد، ثبات اقتصادی وجود خارجی نخواهد داشت. قانون باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند استمرار ثبات و امنیت اقتصادی را تضمین کند؛ از جمله ویژگی‌های یادشده، هویت پایدار قانون است؛ یعنی اینکه مفاد قانون مرتبط با ثبات اقتصادی، هر لحظه و هر روز عوض نشود و حالت پایدار داشته باشد. دیگر اینکه اصول روابط اقتصادی در قوانین مصوبه باید روشن و مشخص باشد و بخشنامه‌هایی که پیرامون آن صادر می‌شود، تکلیف همه مرتب‌تین را به‌طور قطعی روشن کند و درعین حال، جای تخلف از مفاد آن را برای کسی باقی نگذارد. تجدیدنظرهای زودبزه‌زود در قوانین، مقررات و بخشنامه‌های دولتی گویای تهیبه و تدوین عجولانه آنهاست؛ بنابراین روشن‌بودن چشم‌انداز اقتصادی کشور برای فعالان این عرصه یک نقطه کلیدی در ایجاد آرامش، ثبات و امنیت اقتصادی است. اینکه در یک دوره بلندمدت، به عنوان مثال نحوه اتخاذ سیاست‌های ارزی، نرخ سود و دسترسی به تسهیلات دچار تغییر شدید نخواهد شد، باعث می‌شود اقتصاد کشور به آرامش و ثبات برسد.

تولیدکننده و سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که مسئولان اقتصادی کشور در پی تأمین منافع ملی و مصالح جامعه هستند و به دنبال منافع شخصی و یا گروهی نبوده و هر روز تصمیمات و سیاستگذاری‌های اقتصادی خود را عوض نمی‌کنند. در این راستا، هماهنگی و تعامل قوا و همه دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری در حوزه سیاست‌های پولی و مالی می‌تواند برای بازار آرامش‌بخش و ثبات‌آفرین باشد.

۳. کاهش وابستگی به درآمدهای ناشی از فروش نفت خام و دیگر منابع زیرزمینی

یکی از مشکلات کشورهای درحال توسعه، نحوه استفاده صحیح و کارآمد از منابع خدادادی نفت و گاز می‌باشد. کشور ما نیز به عنوان غنی‌ترین کشور از

جهت مجموع ذخایر نفت و گاز در جهان، با این معضل روبه‌روست و نتوانسته است به نحو منطقی و صحیح از این منابع در جهت شکوفایی تولید داخلی و اقتدار بین‌المللی استفاده کند و خام‌فروشی تنها گزینه‌ای است که در این سال‌ها برای تأمین اکثر هزینه‌های کشور انتخاب شده که نتیجه آن وابستگی همه‌جانبه اقتصاد جامعه به نفت بوده است.

الگوی مصرف کنونی کشور نیز با توجه به آنچه گفته شد امکان تداوم ندارد. از نظر درآمد نفت، رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، آلودگی محیط زیست و غیره، الگوی مصرف وارداتی دارای محدودیت‌هایی به مراتب بیشتر از محدودیت‌های مزبور در کشورهای صنعتی است که باید پیش از رسیدن بحران، برای پیشگیری از آن راه چاره‌ای تدارک دید (رزاقی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹).

اما در حال حاضر درآمد حاصل از نفت همچنان بخش مهمی از درآمد کشور را تشکیل می‌دهد. این درآمد اولاً تک‌محصولی و ناشی از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای کشور است و ثانیاً متأثر از رفتار کشورهای متخاصم است که تحریم خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا در چند سال اخیر، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود؛ به‌ویژه وقتی این تصمیم با تحریم‌های مالی همراه می‌شود، دریافت درآمد فروش آن مقدار از نفت به دیگر کشورها هم عملاً مشکل می‌شود؛ بنابراین وابستگی بودجه کشور به این مقدار از درآمد نفتی نقطه ضعف مهمی است (فیروزآبادی، ۱۳۹۱، <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21459>). بی‌شک برای رفع این ضعف، از این ظرفیت باید برای سرمایه‌گذاری زیربنایی در سایر بخش‌ها بهره‌برد و با تبدیل این مواد به محصولات ثانویه و ترجیحاً محصول نهایی، حتی‌المقدور از خام‌فروشی این مواد پرهیز نمود. اقتصاد مقاومتی باید صادرات گرا باشد. صادرات، ظرفیت کسب درآمد خارجی و افزایش سرمایه‌های ملی را به همراه دارد. ضمن اینکه اقتصاد صادرات گرا اقتصادی است که امکان رقابت در دنیا را برای خود فراهم

می‌کند و خود را در سطح اقتصادهای برتر و قدرتمند نشان می‌دهد. صادرات کالا کشور را از فروش خام سرمایه‌ها و دارایی‌های خود مانند نفت بی‌نیاز می‌کند.

نتیجه آنکه اجرای برنامه‌های بلندمدت برای کم کردن وابستگی به نفت و کاهش اتکا به آن از طریق «کاهش واردات» و «افزایش صادرات غیر نفتی» یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت مانند پتروشیمی از راهکارهای مهم برای ثبات بخشی به اقتصاد کشور است؛ زیرا در این صورت دیگر بیگانگان به‌ویژه قدرت‌های جهانی با ایجاد نوسان در قیمت نفت قادر نخواهند بود تکانه‌های شدید بی‌ثبات‌کننده در اقتصاد ما به وجود آورند و یا با تحریم نفتی و بانکی اقتصاد را دچار مشکل جدی یا بحران سازند؛ چراکه یک اقتصاد قدرتمند و مستقل می‌تواند بدون اتکای به درآمدهای حاصل از فروش نفت، مسیر رشد و شکوفایی خود را بی‌ماید و به‌خوبی قادر است در صحنه تجارت جهانی، منافع ملی و مصالح خود را حفظ کرده و امکان نفوذ، دخالت و تأثیرگذاری منفی را از دشمنان سلب نماید.

۴. مبارزه با مفاسد و تخلفات اقتصادی

از آنجاکه آرامش روحی افراد جامعه و جلوگیری از عوامل تنش‌زا یکی از شرایط اساسی در ایجاد ثبات از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و از سوی دیگر برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی یکی از راهکارهای مهم ایجاد آرامش و رضایت خاطر برای افراد جامعه می‌باشد و مبارزه با مفاسد اقتصادی مهم‌ترین شرط برقراری عدالت اقتصادی است، بنابراین بدون برخورد جدی با مفاسد و تخلفات اقتصادی، برقراری آرامش و اطمینان خاطر و به دنبال آن ایجاد ثبات اقتصادی در جامعه بی‌معناست. مبارزه با مفاسد اقتصادی - برخلاف آنچه ممکن است برخی تصور کنند که مبارزه با مفسدان این عرصه، زمینه سرمایه‌گذاری جدید را از بین می‌برد؛ چراکه ممکن است سرمایه‌گذار

احساس ناامنی کرده و از این کار پرهیز کند، موجب دلگرمی مردم، افزایش سرمایه‌گذاری، تشویق سرمایه‌داران سالم و رونق بیشتر اقتصاد می‌شود.^۱ مقام معظم رهبری درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی و رابطه آن با آرامش و امنیت اقتصادی چنین فرموده‌اند:

امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه، به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند؛ اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد (فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با نبودن ثبات اقتصادی و آرامش خاطر، هیچ فعالیت اقتصادی به شکل دلخواه صورت نگرفته و نتایج مثبت به بار نمی‌آورد. برقراری و حفظ ثبات نیز بی‌شک به زمینه‌ها و ابزاری نیاز دارد که در راستای رسیدن به اهداف و آرمان‌های نظام اقتصادی اسلام، فراهم‌آوردن آنها جزء مسئولیت‌های مجموعه نظام، از دولت گرفته تا قوه مقننه و قضائیه است. ثبات اقتصادی از جمله مسائل محوری پیشرفت است که غفلت از آن موانع زیادی در مسیر پیشرفت اقتصادی کشور

^۱ برای مطالعه بیشتر رک به: (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۰۲/۱۴).

ایجاد خواهد کرد؛ زیرا سرمایه‌گذار باید از پایان کار و فعالیتش مطمئن باشد و احساس کند قوانین روشن، محکم و پایدار و همین‌طور شرایط مناسب دیگر برای سودآوردن فعالیت اقتصادی‌اش وجود دارد وگرنه سرمایه‌گذاری به جهتی سوق داده می‌شود که با فعالیت‌های سالم اقتصادی مغایرت دارد و با مسیر مورد نیاز توسعه و پیشرفت کشور در تضاد است. در بخش مربوط به راهبردهای اقتصاد مقاومتی مرتبط با ثبات اقتصادی، تقویت ایمان و فرهنگ اسلامی، استفاده از همه ظرفیت‌های کشور و حمایت از تولید داخلی، مردمی کردن اقتصاد، برقراری عدالت در توزیع امکانات و منابع مطرح گردیده و چگونگی بالابردن ثبات اقتصادی کشور با این عوامل تبیین گردیده است و در بخش مربوط به الزامات اقتصاد مقاومتی، ثبات در قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها، جدیت در کار، تولید و تلاش جهادی، کاهش وابستگی به درآمدهای ناشی از فروش نفت خام و دیگر منابع زیرزمینی و مبارزه با مفاسد و تخلفات اقتصادی مطرح گردید و چگونگی افزایش ثبات اقتصادی کشور با پذیرش و تحقق این الزامات توضیح داده شد.

نتیجه آنکه اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است درون‌زا و برون‌نگر که با استفاده از نیروها، منابع، استعدادها داخلی و توان‌های مردمی مسیر رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه را می‌پیماید؛ بنابراین قادر است ثبات اقتصادی کشور را در بالاترین سطح تأمین نماید و در این مقاله تلاش شد با توجه به ویژگی‌های یک اقتصاد باثبات در سطح کلان و راهبردها و الزامات اقتصاد مقاومتی، رابطه این دو، با یکدیگر بررسی گردیده و اثبات گردد که در شرایط موجود کشور تنها با تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به ثبات اقتصادی دست یافت؛ زیرا با وجود ثبات و امنیت اقتصادی همه‌جانبه، افراد جامعه فعالیت‌هایشان را بر پیمودن مسیر پیشرفت مادی و معنوی کشور متمرکز می‌کنند و با پیمودن راهبردهای مذکور و رعایت الزامات چهارگانه، زمینه پرورش انسان‌های خلاق، متعهد، متخصص و صاحب‌شأن و منزلت اجتماعی فراهم می‌گردد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آمدی التیمی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۲. توکلی، محمدجواد؛ خاکریز اقتصادی (خوانشی بر اقتصاد مقاومتی)؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۳. پیغامی، عادل و همکاران؛ جستارهایی در اقتصاد مقاومتی؛ تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۴.
۴. رحمانی، تیمور و محمدمین صادقزاده؛ «تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی»؛ فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۶، ۱۳۸۹.
۵. حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسایل الشیعه؛ ج ۱۲، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۶. خبرگزاری تسنیم؛ «پرهیز از تصویب قوانینی که موجب حرکت زیگزاگی در اقتصاد شود»؛ دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۰۳/۱۹.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور؛ ۱۳۸۹/۰۶/۱۶.
۸. _____؛ بیانات در دیدار با دانشجویان؛ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.
۹. _____؛ بیانات در جمع گروه صنعتی مپنا؛ ۱۳۹۳/۰۲/۱۰.
۱۰. _____؛ بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش؛ ۱۳۹۱/۰۲/۱۴.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیره نبوی؛ ج ۱، [بی‌جا]: انتشارات دریا، ۱۳۸۳.

۱۲. دهقان، محمدعلی و مرتضی عزتی؛ «امنیت اقتصادی در ایران»؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۳. فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ بزرگ اقتصادی؛ ج ۲، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۱.
۱۴. فیروزآبادی، مرتضی؛ «شش آسیب اقتصاد ما»؛ ۱۳۹۲
(<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21459>).
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۸، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۷. محمدی‌لرد، عبدالمحمود و عابد اکبری؛ راهبرد توسعه اقتصادی همراه با ثبات سیاسی (واکاوی علل اقتصادی بی‌ثباتی سیاسی)؛ تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۲.

62. Paul Zak; **Monetary stability and economic growth**; 2001.
63. Edward Hill, Travis St. Clair, Sarah Ficenec, Pamela Blumenthal, Pat Atkins, Alec Friedhoff Howard Wial, Hal Wolman; **Economic Shocks and Regional Economic Resilience**; Prepared for Brookings, George Washington, Urban Institute, Building Resilient Region Project conference on Urban and Regional Policy and Its Effects: Building Resilient Regions, Washington, DC, May 20-21, 2010.